



QABASAT (A Quarterly Journal on Philosophy of Religion)
Vol.30 / No.117 / Autumn 2025
ISSN: 1028-4538
<https://qabasat.iict.ac.ir>

An Evaluation of the Law of Attraction with Emphasis on the Role of Gratitude in Light of Qur'anic Teachings

Mohammad Ali Asadi-Nasab

Associate Professor, Department of Qur'anic Studies, Institute for Culture and Islamic Thought, Qom, Iran.

Email: asadinasab42@gmail.com

Fatemeh Lohrasbi

Level-4 Seminary Research Student, Women's Seminary (Hawza 'Ilmiyya for Women), Qom, Iran.

Email: fatemelorasbi58@jmail.com



Use your device to scan
and read the article online.

Citation Asadi-Nasab, M & Lohrasbi, F. (2025). An Evaluation of the Law of Attraction with Emphasis on the Role of Gratitude in Light of Qur'anic Teachings. *Qabasat*, 30 (3) (116), 113-139
 [10.22034/qabasat.2025.733444](https://doi.org/10.22034/qabasat.2025.733444)

Type of Article: Reserch Article

Received: 15 December 2024

Accepted: 2 July 2025

Abstract

Emerging spiritual movements, by promising well-being, the resolution of life problems, and responsiveness to the needs of young people, continually appear in various forms and attract followers. One of these movements is the Law of Attraction, which claims that through focus, positive thinking, and gratitude, human beings can attain all their desires. According to this view, speech and emotions possess vibrations that directly influence life events, and gratitude is considered one of the central tools of this law. Since gratitude is also a Qur'anic teaching, some proponents of the Law of Attraction have sought to present it as compatible with the Qur'an by appealing to the religious beliefs of Muslim youth. However, this concept differs significantly from Qur'anic teachings in its foundations, issues, and methodology, and if not properly explained, it may lead to deviation rather than effectiveness. Employing library-based sources and an analytical-critical method, the present study examines gratitude in the Law of Attraction from the perspective of the Qur'an. First, the basic principles of gratitude and the Law of Attraction are outlined; then, the principles of Qur'anic gratitude are explicated, and finally, a comparison is made. The findings indicate that despite some similarities, there is a lack of compatibility between the gratitude advocated by the Law of Attraction and Qur'anic gratitude in many of their underlying foundations and outcomes.

Keywords

Qur'an; Law of Attraction; Gratitude; Evaluation.

QABASAT

A Quarterly Journal on Philosophy of Religion
Vol.30 / No.117 / Autumn 2025



Publisher: Publications Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought
© The Author(s)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



قبسات (فصلنامه علمی در حوزه فلسفه دین و کلام جدید)
سال سی‌ام / شماره ۱۱۷ / پاییز ۱۴۰۴
ISSN: 1028-4538
نوع مقاله: علمی - پژوهشی
<https://qabasat.iict.ac.ir>

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

محمدعلی اسدی‌نسب

دانشیار گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

Email: asadinasab42@gmail.com

فاطمه لهراسبی

دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه خواهران، قم، ایران.

Email: fatemelorasbi58@jmail.com



استناد به این مقاله: اسدی‌نسب، محمدعلی؛ لهراسبی، فاطمه (۱۴۰۴). سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی. قبسات، ۳۰ (۳) ۱۱۷، ۱۱۳-۱۳۹.

doi: [10.22034/qabasat.2025.733444](https://doi.org/10.22034/qabasat.2025.733444)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

جریان‌های معنویت‌های نوظهور با ادعای ایجاد رفاه، رفع گرفتاری‌ها و برآوردن نیازهای مردم و جوانان هر روزه با چهره‌های مختلف، جولنانی را به سوی خود جذب می‌کنند. یکی از این جریان‌ها قانون جذب است که می‌گوید انسان می‌تواند با تمرکز، مثبت‌اندیشی و شکرگزاری به همه خواسته‌های خود برسد. آنان مدعی‌اند گفتار و احساسات دارای ارتعاش بوده، تأثیر شگفت‌انگیزی بر رویدادهای زندگی انسان‌ها می‌گذارد. یکی از ابزارهای مهم در این قانون مسئله شکرگزاری است. با عنایت به اینکه شکرگزاری آموزه‌ای قرآنی است، برخی طرفداران این قانون با تأکید بر زمینه اعتقادی مردم توانسته‌اند بین جوانان مسلمانی که فکر می‌کنند این قانون با قرآن همخوانی دارد، آن را ترویج نمایند. این اندیشه در مبانی، مسائل و روش با آموزه‌های قرآنی متفاوت است؛ از این رو در صورتی که این مفهوم به‌درستی تبیین نشود و نواقص آن رفع نگردد و از مطلق‌انگاری و مبالغه‌تیزیه نگردد، نه تنها سودمند نیست، بلکه سبب انحراف خواهد شد. در این پژوهش بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای و شیوه تحلیلی-انتقادی مقوله شکرگزاری در قانون جذب از منظر قرآن بررسی می‌شود. ابتدا اصولی چند در باب شکرگزاری و قانون جذب بیان می‌شود و بعد از آن اصول شکرگزاری قرآنی تبیین می‌شود و سپس مقایسه و نتایج آن بیان و سنجش می‌گردد. یافته این سنجش آن است که علی‌رغم اشتراکات در مواردی، در بسیاری از مبانی و مسائل میان شکرگزاری قانون جذب و شکرگزاری قرآنی سازگاری وجود ندارد.

واژگان کلیدی

قرآن، قانون جذب، شکرگزاری، سنجش.

قبسات

سال سی‌ام
شماره یکصد و هفتم / پاییز ۱۴۰۴

۱۱۵



ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وجود امواج صوتی در فضا مورد پذیرش همگان است و هزاران ایستگاه رادیویی وجود دارد که برنامه‌های زیادی را در قالب امواج در طول شبانه‌روز پخش می‌کند. البته هنوز بشر نتوانسته است ابزاری اختراع کند که بتواند صداهای پیشینیان را از یکدیگر تفکیک دهد؛ اما با پیشرفت تکنولوژی ممکن است در آینده محقق گردد (ر.ک: عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۷)؛ به‌ویژه اینکه می‌دانیم امواج انرژی‌مند و انرژی هیچ‌گاه نه از میان نمی‌رود و نه تولید می‌شود، بلکه تبدیل به چیز دیگری می‌شود. بنابراین این احتمال هست که در آینده تبدیل معکوس صورت پذیرد و بتوان امواج و صداها را بازیافت کرد؛ چراکه این امواج به گونه‌ای در کائنات هستند. برخی گفته‌اند متناسب با کلام، حالات و احساساتمان امواجی از خود به فضا می‌افکنیم و این امواج در کائنات تأثیرگذارند. برخی از جریان‌های معنویت‌های نوظهور که به طور عمده برای رفع گرفتاری‌ها، ایجاد رفاه و برآوردن نیازهای دنیوی مردم و جوانان هر روزه با رنگ‌ها و عناوین مختلفی افرادی را به سوی خود جذب می‌کنند، تلاش کرده‌اند در پرتو انتشار امواج از انسان به خارج از وجود او قانونی را تحت عنوان قانون جذب طرح نمایند. طرفداران این قانون به دست‌یافتن به هر خواسته و رفع هر ناخواسته با طلب و تمرکز روی خواسته خود با مثبت‌اندیشی و شکرگزاری باور دارند. آنان مدعی‌اند گفتار و احساسات انسان دارای ارتعاش و تأثیر شگفت‌انگیز بر رویدادهای زندگی افراد می‌باشد. یکی از ابزارهای مهم در این قانون مسئله شکرگزاری است. شکرگزاری چون امر ارزشی است، طرفداران آن توانسته‌اند برای خود جایی بین جوانان باز کنند. گرچه باید طرح عنوان‌های ارزشی را در جریان‌های فکری جدید به فال نیک گرفت، اما با آنها باید با حساسیت و احتیاط برخورد شود تا بتوان لطایف و جنبه‌های مثبت آن را به فهم دینی افزود و از سوی دیگر آن را از مبانی و مسائل خرافی و غیردینی تنقیح و پاک‌سازی نمود؛ زیرا این طرح‌ها گرچه ممکن است ظاهری زیبا داشته باشند، مبانی و خاستگاه غالب معنویت‌های نوظهور لائیک یا سکولار است. اگر این مفهوم به‌درستی تبیین نشود و نواقص آن رفع نشده و از مطلق‌انگاری و مبالغه‌تیزی نگردد، نه تنها سودمند نیست که سبب انحراف خواهد شد. علی‌رغم وجود نوشته‌های بسیار در باب قانون جذب، تاکنون

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

شکرگزاری قرآنی با شکرگزاری قانون جذب مورد سنجش قرار نگرفته است. در این پژوهش بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای و شیوه تحلیلی-انتقادی، مقوله شکرگزاری در قانون جذب از منظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا اصولی چند در باب شکرگزاری و قانون جذب و سپس اصول شکرگزاری قرآنی تبیین می‌گردد و سپس مقایسه و نتایج آن بیان و سنجیده می‌گردد.

الف) اصول شکرگزاری در قانون جذب

در قانون جذب و شکرگزاری اصولی وجود دارد، از جمله:

۱. خلق دنیای خارج با ذهن

«قانون جذب» تنها تأثیر ذهن بر ساحت وجودی انسان یا حتی تأثیر عادی ذهن بر پدیده‌ها نیست، بلکه ادعای آفرینندگی ذهن نسبت به وقایع دنیای خارج مطرح است و تنها ابزاری که جهت آفرینندگی ذهن پیشنهاد می‌شود، عملی ذهنی به نام «تمرکز و تجسم ذهنی» است (ر.ک: شریفی دوست و حمزه، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱).

۲. تجسم خلق خواسته

عمل تجسم تو را به هر چه خواهی، متصل می‌کند. تجسم خواسته‌ات نیروی مغناطیسی ایجاد می‌کند و این نیرو خواسته‌ات را به سوی تو جذب می‌کند (برن، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

۳. پیروی حوادث از فکر ما

تو همه چیز را به سمت خود جذب می‌کنی: مردم، شغل، شرایط زندگی، وضع سلامتی، ثروت، قرض، شادی، ماشینی که بر آن سوار می‌شوی و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنی؛ مثل آهن‌ربا همه اینها را به طرف خویش جذب می‌کنی. به هر چه فکر کنی، همان اتفاق می‌افتد. کل زندگی تو تجلی افکاری است که در ذهنت جریان دارند (برن، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

۴. ارسال قدرت به عالم هستی با شکرگزاری

شکرگزاری از ارکان قانون جذب و کلید جذب خواسته‌هاست. قانون جذب به قدری به شکرگزاری سفارش و تأکید می‌کند که امکان ندارد کسی به این قانون باور داشته باشد و در همه حال شکرگزار نباشد. جذب نخستین کار قدرشناسی و شکرگزاری است. این کار انرژی بدن را جابه‌جا می‌کند و اندیشه را تغییر می‌دهد. وقتی طوری تشکر می‌کنید که گویی به خواسته خود رسیده‌اید، علامت قدرت‌مندی به عالم هستی می‌دهید (برن، ۱۳۷۸، ص ۹۵).

۵. شکرگزاری بالاترین ارتعاش

قانون شکرگزاری یکی از روش‌های مثبت‌اندیشی است که با توجه‌کردن به نعمت‌ها و خواسته‌هایتان و سپاس‌گزاری از خداوند ارتعاش قوی‌تری به کائنات و جهان هستی ارسال می‌کنید. ارتعاش شکرگزاری نسبت به بقیه ارتعاش‌ها بسیار نیرومندتر است. وقتی بابت چیزی شکرگزار باشید، در حال فرستادن ارتعاش آن به کائنات هستید و کائنات با توجه به ارتعاشی که از شما دریافت می‌کنند، خواسته یا ناخواسته را بیشتر وارد زندگی‌تان خواهند کرد. «قدردانی و شکرگزاری بالاترین شکل ارتعاش (احساس) است» (لوسیر، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

۶. جذب خواسته‌تها با توجه به آن

قانون جذب (law of attraction) به زبان ساده می‌گوید وقتی به چیزی توجه می‌کنید، آن را در زندگی‌تان جذب می‌کنید. بر اساس تعریف ساده قانون جذب وقتی به هر چیزی توجه می‌کنید، در حال جذب آن هستید و پس از مدتی آن چیز وارد زندگی‌تان می‌شود. قانون جذب مانند طناب می‌ماند. وقتی به هر چیزی توجه می‌کنید، طناب جذب به آن چیزی را که توجه کرده‌اید، جذب زندگی‌تان می‌کند؛ برای نمونه وقتی به بی‌پولی، بیماری و نبود کار فکر می‌کنید، قانون جذب بی‌پولی، بیکاری و بیماری را وارد زندگی‌تان خواهد کرد و برعکس وقتی به پول و ثروت توجه می‌کنید، بر اساس قانون جذب پول و ثروت بیشتری را وارد زندگی‌تان می‌کنید (هیگس و هیگس، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

۷. ارسال ارتعاش به چیزی با اندیشیدن به آن

وقتی به هر چیزی فکر می‌کنیم، در حال فرستادن ارتعاش آن به کائنات و جهان هستی هستیم. کائنات با توجه به ارتعاش که از ما دریافت می‌کند، خواسته و ناخواسته‌ای را وارد زندگی ما می‌کند. ذهن انسان یک دستگاه تولیدکننده فرکانس و ارتعاش به جهان هستی و کائنات است. البته منظور از کائنات به هر چیزی که در این دنیا وجود دارد، به جز خودتان و خدا را کائنات می‌گویند (هیگس و هیگس، ۱۳۹۶، ص ۲۷-۳۹).

۸. پیروی کائنات از خواسته ما

وقتی به بی‌پولی فکر می‌کنید، در حال فرستادن ارتعاش آن هستید و کائنات با توجه به ارتعاشی که از ذهن شما دریافت می‌کند، بی‌پولی را وارد زندگی‌تان خواهند کرد. وقتی به ثروت و پول فکر می‌کنید، در حال فرستادن ارتعاش ثروت و پول به کائنات هستید و کائنات با توجه به ارتعاشی که از ذهنتان دریافت می‌کند، ثروت و بی‌پولی را وارد زندگی‌تان خواهد کرد (هیگس و هیگس، ۱۳۹۶، ص ۳۱/ برن، ۱۳۸۷، صص ۷۷ و ۹۰).

۹. ارسال ارتعاش خوب به کائنات با احساس خوب و ارسال ارتعاش بد با احساس بد

احساس خوب احساساتان دقیقاً مانند قطب‌نما عمل می‌کنند. وقتی احساساتان خوب است، در حال فرستادن ارتعاش مثبت به کائنات اید و وقتی احساساتان بد است، پلید احساساتان را خوب کنید؛ زیرا در احساس بد شما در حال فرستادن ارتعاش منفی به کائنات و جهان اصلی هستید؛ پس برای اینکه ببینید ارتعاشی که به کائنات ارسال می‌کنید، مثبت است یا منفی باید به احساساتان توجه کنید. هر لحظه به اینکه احساس دارم خوب است یا بد و وقتی احساس دلم بد بود، باید هر کاری کنید تا احساساتان خوب شود (هیگس و هیگس، ۱۳۹۶، ص ۴۰/ برن، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

۱۰. شکرگزاری سبب تحقق خواسته‌ها

دقیقاً رابطه قانون جذب با قانون شکرگزاری به این صورت است که وقتی شما بابت نعمت‌های زندگی‌تان شکرگزاری می‌کنید، در حال توجه کردن به نعمت‌های زندگی‌تان هستید. وقتی بابت خواسته‌ها و آرزوهایتان شکرگزاری می‌کنید، در حال توجه کردن به خواسته‌ها و آرزوهایتان هستید و این کار باعث می‌شود با توجه به اهدافی که به کائنات می‌فرستید، چیزهایی که می‌خواهید، وارد زندگی‌تان بشود (هیکس و هیکس، ۱۳۹۶، ص ۸۹/ برن، ۱۳۸۷، ص ۹).

۱۱. چگونگی شکرگزاری

در قانون جذب نوع شکرگزاری زبانی به گونه‌های مختلفی بیان شده است، مانند: خدایا شکر که احساس عالی دارم؛ خدایا شکر که روز به روز ثروت مندتر می‌شوم؛ خدایا شکر بابت چشمان بینایی که دارم؛ خدایا شکر بابت اینکه با قانون جذب آشنا شدم؛ خدایا شکر بابت شغلی که دارم؛ خدایا شکر بابت پدر و مادر سالمی که دارم؛ خدایا شکر بابت کسب و کاری که دارم؛ خدایا شکر بابت خواهر خوبی که دارم؛ خدایا شکر بابت برادری که دارم؛ خدایا شکر بابت سلامتی که دارم؛ خدایا شکر بابت اینکه دارم ازت شکرگزاری می‌کنم؛ خدایا شکر بابت احساسات و حس و حالی که دارم؛ خدایا شکر بابت اینکه با قانون جذب آشنا شدم و می‌تونم زندگی خودم کامل تغییر بدم (ر.ک: برن، ۱۳۸۷، ص ۹۱-۹۵).

تکنیک سپاس‌گزاری در قانون جذب با شمارش نعمت‌ها بدین نحو است که فرد می‌بایست دفتری تهیه کند و فهرست آنچه مراتب سپاسش را برانگیخته تهیه نماید، در دفتر بنویسد و در طول روز چند مرتبه آن را باز کند و بر آن نعمت‌ها متمرکز شود (کلاود، ۱۴۰۱، ص ۱۳۰).

تجربیات

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

۱۲. همراهی شکرگزاری با انرژی بیشتر و نگرشی بهتر

افرادی که مراتب سپاس خود را ابراز می‌کنند، نه تنها انسان‌های شادتری هستند، بلکه انرژی بیشتر و نگرش بهتری نسبت به آینده دارند و حتی از نظر جسمی سالم‌ترند و دردهای جسمانی کمتری دارند. همچنین در ناراحتی‌های روان‌شناختی احساس کمتری دارند و حسادتشان کمتر و کمتر مادی‌گرا هستند (کلاود، ۱۴۰۱، ص ۱۲۷).

۱۳. تلازم شکرگزاری با افزونی نعمت‌ها

این شاخصه به قدری اهمیت دارد که پژوهشگران معتقدند غیرممکن است به خاطر آنچه دارید، شکرگزار نباشید و بتوانید نعمت بیشتری را نصیب خود کنید. راندا برن در کتاب راز می‌نویسد: وقتی طوری تشکر می‌کنید که انگار به خواسته خود دست یافته‌اید، علامت قدرت‌مندی به عالم هستی می‌دهید (برن، ۱۳۸۷، ص ۹۴). بنابراین می‌توان اصول فوق را بدین گونه خلاصه کرد:

۱. ذهن انسان دستگاه تولید فرکانس و ارتعاش قدرت‌مندی به جهان هستی است.
۲. ارتعاش حاصل از ذهن و مغز انرژی است و انرژی از میان نمی‌رود.
۳. وقتی شکرگزاری می‌شود، ارتعاش و علامت مثبتی به جهان هستی ارسال می‌شود.
۴. قانون جذب می‌گوید انسان مثبت‌اندیش و شکرگزار می‌تواند به همه خواسته‌های خود برسد.
۵. نحوه شکرگزاری ذکر نعمت‌ها و تشکر زبانی به سبب وجود آنهاست.
۶. شکرگزاری سبب شادمانی و احساسات خوب می‌گردد.
۷. ارمغان شکرگزاری رفاه مادی و افزونی نعمت است.

ب) ماهیت و ویژگی‌های شکر در قرآن

۱. حقیقت شکر

به باور علامه طباطبایی حقیقت شکر، اظهار نعمت است؛ همچنان‌که کفر، مقابل آن

است؛ یعنی پنهان کردن نعمت و سرپوش روی آن نهادن است. اظهار نعمت به این معناست که آن را در جای خود استعمال کنی؛ جایی که دهنده نعمت در نظر داشته و نیز اظهار نعمت به این است که آن را به زبان بیاوری و منعم را در برابر دادن این نعمت ثنا بگویی. مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعمش باشی و از یادش نبری. پس شکر خدای تعالی در برابر نعمتی از نعمت‌های او این است که در هنگام استفاده از نعمت به یاد خدا باشد و وقتی به یاد او بود، به یاد این مطلب هم می‌افتد که نعمت او را در جایی که خود او خواسته استعمال کند نه در جای دیگر و معلوم است که هیچ چیزی در عالم هستی نیست که نعمت خدادادی نباشد و خداوند هیچ نعمتی را خلق نکرده مگر برای اینکه در راه بندگی‌اش استعمال شود؛ همچنان که خود فرمود: «وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ، وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم: ۳۴). پس شکر او در برابر نعمت‌هایش به این است که در آن نعمت‌ها اطاعت شود و به یاد مقام ربوبیتش باشند. پس شکر مطلق و بدون تقیید خدای تعالی همانا یاد خدا بدون نسیان و اطاعتش بدون معصیت است. پس معنای آیه «وَاشْكُرُوا لِي وَلا تَكْفُرُونِ» (بقره: ۱۵۲) این است که به یاد من باشید، یادی که آمیخته با فراموشی نباشد و امر مرا اطاعت کنید، اطاعتی که آمیخته با عصیان نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۸). نیز آنچه از امام صادق در تفسیر نورالثقلین نقل شده، دلیل روشنی بر این مطلب است؛ آنجا که می‌فرماید: شکر، نعمت دوری از گناهان است (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۲۹).

۲. مراتب شکر

حقیقت شکر تنها قدردانی زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست؛ شکر دارای سه مرحله است. نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است. از آن که بگذریم، مرحله زبان فرامی‌رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است. شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم، کفران نعمت

تقیست

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

کرده‌ایم؛ همان گونه که بزرگان فرموده‌اند: «الشکر صرف العبد جمیع ما انعمه الله تعالی فیما خلق لاجله». راستی چرا خدا به ما چشم داد و چرا نعمت شنوایی و گویایی بخشید؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۷۸).

امام صادق می‌فرماید: کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانی، بی‌آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود و خدا را فراموش کنی و همچنین راضی بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی و اوامر و نواهی او را با استفاده از نعمت‌هایش زیر پا نگذاری (قمی، ۱۴۱۴، ص ۷۱۰).

۳. فزونی نعمت آثار شکرگزاری

قرآن با صراحت به فزونی نعمت در سایه شکرگزاری اشاره می‌کند و می‌گوید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» و به یاد آور هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً [نعمت‌های] شما را می‌افزایم و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است» (ابراهیم: ۷).

۲. رابطه شکر با فزونی نعمت

هر گاه انسان‌ها نعمت‌های خدا را درست در همان هدف‌های واقعی نعمت صرف کردند، عملاً ثابت کرده‌اند که شایسته و لایق‌اند و این شایستگی سبب فیض بیشتر و موهبت افزون‌تر می‌گردد. اصولاً دو گونه شکر وجود دارد: شکر تکوینی و شکر تشریحی. شکر تکوینی آن است که يك موجود از مواهبی که در اختیار دارد، برای نمو و رشدش استفاده کند؛ مثلاً باغبان می‌بیند در قسمتی از باغ درختان به خوبی رشد و نمو می‌کنند و هر قدر از آنها پذیرایی بیشتر می‌کند، شکوفاتر می‌شوند. همین امر سبب می‌شود باغبان به تربیت آن بخش از باغ درختان توجه بیشتری داشته باشد و مراقبت از آنها را به کارکنان خویش توصیه کند؛ چراکه آن درختان به زبان حال فریاد می‌زنند: ای باغبان ما لایق‌ایم، ما شایسته‌ایم، نعمت را بر ما افزون کن و او هم به این ندا پاسخ مثبت می‌دهد. اما در بخش دیگر از باغ درختانی را می‌بیند که پژمرده

شده‌اند، نه طراوت، برگ، گل و سایه‌ای دارند و نه میوه و بری. این کفران نعمت سبب می‌شود که باغبان آنها را مورد بی‌مهری قرار دهد و در صورتی که این وضع ادامه پیدا کند، دستور می‌دهد ارب بر پای آنها بگذارند. در جهان انسانیت نیز همین حالت وجود دارد، با این تفاوت که درخت از خود اختیاری ندارد و صرفاً تسلیم قوانین تکوینی است، اما انسان‌ها با استفاده از نیروی اراده و اختیار و تعلیم و تربیت تشریحی می‌توانند آگاهانه در این راه گام بگذارند (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۸۰).

۴. ناتوانایی بشر از شکرگزاری خداوند

همان گونه که در مناجات شاگردان از مناجات‌های پانزده‌گانه امام سجاد می‌خوانیم: «کیف لی بتحصیل الشکر و شکری ایاک یفتقر الی شکر، فکلما قلت لك الحمد و جب علیّ لذلك ان اقول لك الحمد: چگونه می‌توانم حق شکر تو را به جای آورم، در حالی که همین شکر من نیاز به شکری دارد و هر زمان که می‌گویم لك الحمد بر من لازم است به خاطر همین توفیق شکرگزاری بگویم لك الحمد» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۹۱، ص ۱۴۶).

شعر معروف سعدی در ابتدای گلستان به آیه فوق اشاره دارد که می‌گوید: مَتَّ خدای را عزّ و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرومی‌رود، مُمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُقَرَّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. از دست و زبان که بر آید *** کز عهده شکرش به درآید؟ «اعملوا آل داود شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِي الشُّكُور»، بنده همان به که ز تقصیر خویش *** عذر به درگاه خدای آورد *** و نه سزاوار خداوندی‌اش *** کس نتواند که به جای آورد (سعدی شیرازی، ۱۳۶۹).

۵. ضرورت همراهی شکر خدا با ایمان به خدا

همه آیاتی که ایمان را به عمل صالح گره زده است و تعبیر «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» دارد، در واقع می‌گوید تنها کسانی نجات می‌یابند و از آثار عمل نیکشان بهره‌برداری می‌کنند که دو

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

شرط اساسی را دارا باشند: یکی عمل صلح و دیگری ایمان به خدا و قیامت و رسولان الهی.

۶. ناسپاسی سبب عذاب و از بین رفتن نعمت

چنان‌که گذشت، قرآن می‌گوید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ یعنی چنین نیست که اگر شکر نشود، نعمت اندک شود، بلکه اگر شکر نشود عذاب هم وارد خواهد شد.

۷. شکرگزاری از مردم لازمه شکرگزاری از خدا

نکته مهم در مسئله شکر این است که آیا شکر مخلوق در برابر احسان آنان رواست یا نه. محققان بر آنند تأدب به ادب خدا و رسول خدا اقتضای تصحیح و تجویز شکر مخلوق نیکوکار را دارد؛ زیرا موحد مبتدی با مشاهده حق از شهود خلق محجوب است، ولی موحد کامل نه محجوب از حق است بر اثر غرق در کثرت و نه محجوب از خلق است بر اثر غرق در وحدت. احادیث مأثور از اهل بیت عصمت شکر مخلوق محسن را به عنوان مجرای فیض خدا و مظهر احسان الهی روا می‌داند و آن را ترغیب می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۴۲۴).
امام سجاد فرمود: «همانا خدا قلب اندوهناک و بنده شکرگزار را دوست دارد و به بنده‌ای از بندگاش در روز قیامت می‌فرماید: آیا از فلانی تشکر کردی؟ او در پاسخ می‌گوید خیر بلکه تو را شکرگزاری کردم. خدا به او می‌گوید به سبب اینکه او را شکرگزاری نکردی، در واقع مرا هم شکرگزاری ننموده‌ای، سپس فرمود شکرگزارترین شما نسبت به خدا کسی است که شکرگزارترین فرد نسبت به مردم باشد» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۵۴).

۸. عدم نیاز خدا به شکرگزاری و زیان‌ندیدن او از ناسپاسی مردم

قرآن در باب شکرگزاری به نکته دقیقی اشاره می‌کند و می‌فرماید: فایده شکرگزاری تنها عاید خود شاکر می‌شود؛ همچنان‌که زیان کفران به خود کفران‌کننده برمی‌گردد نه به خداوند؛ زیرا خداوند غنی مطلق است؛ هر کس شکر نعمت او را ادا کند، به سود خویش شکر کرده و هر کس کفران کند، زیانی به خدا نمی‌رساند، چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است: «وَمَنْ

يَشْكُرُ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان: ۱۲). «لام» در جمله و «لام» در لِنَفْسِهِ لام نفع است. در جای دیگری می‌گوید: «وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» هر کس شکر کند، به سود خویش شکر کرده است و هر کسی کفران کند، پروردگار من غنی و کریم است» (نمل: ۴۰).

بنابراین سود شکرگزاری که همان دوام نعمت و افزایش آن، به اضافه ثواب آخرت است، نصیب خود انسان می‌شود؛ همان گونه که زیان کفران فقط دامن خودش را می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۸)؛ هر چند غالب انسان‌ها طبعشان کفران نعمت‌هاست و بیشترین تمرکزشان بر محرومیت‌ها و نداشتن‌هاست. قرآن در این مورد می‌فرماید: «اما عده کمی از بندگان من شکرگزارند: وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ» (سبأ: ۳۴). پیداست این الگوی رفتاری و این شیوه از واکنش در برابر نعمت‌ها که قرآن ارائه می‌دهد، احساس فقدان را که از تمرکز بر امور ناخوشایند ایجاد می‌شود، از بین می‌برد.

ج) ارزیابی و مقایسه

اکنون با عنایت به اصول، ماهیت و ویژگی‌های شکرگزاری قرآنی و اصول شکرگزاری در قانون جذب می‌توان به داوری و ارزیابی بین این دو مقوله پرداخت. برای این منظور به چند مطلب اشاره می‌شود: علی‌رغم نکات مثبت این قانون و ایجاد امید و طراوت و شادمانی در روح و روان مردم و موارد اشتراکی دیگر، باید گفت مدعیات این قانون با آموزه‌های اسلامی در مواردی سنجیدی ندارد و با تجربه و علم نیز چندان همخوانی ندارد. این موارد از این قرار است:

۱. عدم شمولیت قانون

این قانون مدعی است هر آنچه بخواهی با تمرکز بر آن و مثبت‌اندیشی به آن می‌رسی، در حالی که قرآن سخن دیگری دارد و می‌فرماید دشمنان حضرت ابراهیم همه تلاش خود را بر نابودی آن حضرت متمرکز کردند، اما به آن نرسیدند: «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ»

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

آنها تصمیم گرفتند ابراهیم را با نقشه حساب‌شده و خطرناکی نابود کنند، ولی ما آنها را زیان‌کارترین مردم قرار دادیم». نیز می‌گوید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: جهاد در راه خدا بر شما مقرر شده، در حالی که برایتان ناخوشایند است، چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره: ۲۱۶).

روشن است در دو آیه فوق هم تمرکز بر خواسته است هم طلب، اما قرآن می‌گوید بدان نمی‌رسند.

۲. عدم اثبات ارتعاش ذهنی و مخالفت آن با تجربه

پذیرش هر امری باید دلیل قانع‌کننده داشته باشد و این دلیل قانع‌کننده باید یا عقلی یا نقلی باشد. از حیث عقلی افزون بر اینکه دلیل عقلی محض برای آن وجود ندارد، از نظر تجربه نیز دلیلی بر آن نیست، بلکه دلیل علیه آن وجود دارد؛ زیرا افراد بسیاری دارای اهدافی بودند که دل‌مشغولی شدید آنها را به دنبال داشت، تا جایی که به سلامت درونی و روانی‌شان آسیب رسانده است، اما به مراد خویش دست نیافته‌اند. در این موارد هم تجسم و تمرکز بر مطلوب رخ داده و هم درخواست و مطالبه‌گری در نهایت درجه خود موجود بود، اما هدفشان محقق نشد. حتی اگر بپذیریم این تئوری در اندک مواردی پاسخ داده، باید نسبت آن را با مواردی که تمرکزکننده از رسیدن به مطلوب خود ناکام مانده، بسنجیم تا کارآمدی قانون جذب روشن گردد.

از منظر قرآنی نیز باید گفت اراده خدا بر همه اراده‌ها چیره است و اراده انسان در برابر آن کارایی چندانی ندارد، مگر خدا بخواهد. قرآن با صراحت می‌گوید: «شما چیزی را نمی‌توانید برای خود بخواهید مگر خدا بخواهد» (انسان: ۳۰) و نیز می‌گوید: «کافران می‌خواهند با سخن خود نور خدا را خاموش کنند، اما خدا بر خلاف میل و خواسته آنان نور خود را کامل می‌گرداند» (توبه: ۳۲).

البته ذکر دو نکته لازم است: یکی اینکه حسن ظن به خدای قادرِ عالمِ ذوالفضل به دنبال خود جزای خیر خدادادی دارد. دوم اینکه حسن ظن از نظر روانی به خودی خود توان‌افزاست و سبب قدرت بیشتر انسان برای تحقق خواسته دارد؛ ولی این مطلب ربطی به ارسال ارتعاش ذهنی به کائنات ندارد.

۳. عدم اثبات پاسخ کائنات به ارتعاش ذهنی

با توجه به عدم اثبات ارتعاش ذهنی روشن می‌شود پاسخی از کائنات نیز وجود ندارد؛ لکن ذکر دو مطلب اینجا لازم است: نخست اینکه هر گاه فردی در تعامل خود با عالم و آدم با عدالت و صدق و مطابق با واقعیات جهان رفتار نماید، گویا جزئی از جهان تکوین است و علل و معلول‌های این جهان در راستای خواسته او قرار داد؛ چراکه او مخالف این جهان هستی چیزی طلب نمی‌کند؛ تنها باید تلاش بیشتری کند و از نظر ذهنی خطای کمتری داشته باشد تا بیشتر به خواسته خود نایل شود و در جایی که مناسب اوست، خود را علت قرار دهد تا بتواند معلول خود را محقق نماید. نکته دوم کمک خدا به چنین شخصی است؛ زیرا چنین شخصی در واقع خود را در مسیر رضای خدا قرار داده است و خداوند به کسی که درست عمل نماید، بیشترین کمک را خواهد کرد که در شماره بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۴. چگونگی رابطه اراده انسان با جهان بر مبنای توحید قرآنی

در این باره چند نکته را باید در نظر داشت: نخست اینکه بر اساس توحید قرآنی همه امور تحت اراده تکوینی خدا رقم می‌خورد (انسان: ۳۰). دوم اینکه بر اساس اراده الهی، انسان‌ها در قلمرو محدودی اختیار انجام کار را دارند و از نظر علم و قدرت محدودند و نمی‌توانند همه خواسته‌های خود را محقق نمایند. سوم اینکه انسان‌ها در صورتی می‌توانند به خواسته خود برسند که علت تحقق آن را ایجاد و موانع را رفع کنند. چهارم اینکه گاهی خداوند برای آزمایش یا تأدیب انسان‌ها کاری می‌کند که آنان به خواسته‌های خود نرسند و حوادث جهان به گونه دیگری که آنان نمی‌خواهند، رقم بخورد (بقره: ۲۱۶).

۵. پیشنهاد قرآن برای کاهش رنج

قانون جذب و عمده معنویت‌های نوظهور پیشنهادهایی برای کاهش رنج داده‌اند. قرآن در این زمینه چه پیشنهادی دارد؟ در پاسخ باید گفت پیشنهاد قرآن واقعی و بر اساس نظام هستی‌شناختی است و برای کاهش رنج نیز نظام خاص خود را دارد. چند مطلب در این باره بیان می‌شود: یکم: ضرورت اصلاح بیش در باره عالم و اینکه خدایی عالم، قادر و عادل بر جهان حاکم است. دوم: رنج لازمه دنیا و برای انسان و تربیت او ضرورت دارد. سوم: بسیاری از رنج‌ها ساخته دست خود انسان‌هاست و عملکرد خود آنان سبب تحقق سیئات برای خودشان بوده است (نساء: ۷۹) و اگر تقوا داشته باشند، یا بسیاری از مشکلات برای آنان پیش نمی‌آید یا اگر پیشامد کند، قابل تحمل است یا به‌زودی راه خروج از آنها را می‌یابند (انفال: ۲۹)؛ چراکه اهل تقوا حزن و خوفی ندارند (یونس: ۶۲).

۶. گرایش اومانستی، قراردادن انسان به جای خدا

در نظام معرفتی قانون جذب، انسان همه‌کاره است و ارزش انسان‌ها نه در بُعد الهی و ملکوتی او بلکه در خرد زمینی و عقل معاش‌اندیش اوست. نتیجه آنکه خردگرایی و عقل‌گرایی اصالت پیدا می‌کند و در نهایت رفاه و تنعم انسان و خوشی و لذت او تعیین‌کننده مطلوب‌های اوست و به‌سازی زندگی ظاهری انسان، به جای قرب الهی و کمال معنوی او می‌نشیند. در چنین نگرشی هرچند خدا به‌ظاهر انکار نمی‌شود، اما انسان‌ها عملاً به بی‌نیازی از خدا و آموزه‌های وحیانی دعوت می‌شوند (ر.ک: اوریزن، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶/آزمندیان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۸).

در این قانون گاهی به‌ظاهر سخن از خدا گفته می‌شود، ولی چون خدا در این قانون اصالتی ندارد، آن را به گونه‌ای طرح می‌کنند که هیچ اثری نداشته و در خدمت انسان باشد؛ یعنی خدا فرمان‌بردار و خدمت‌گذار انسان. در این قانون خدا نیروی کائنات است که می‌توانیم به آن متصل شویم و به هرچه آرزو داریم، دست یابیم. خدا فقط مهربان و بخشنده است، نه از ما چیزی می‌خواهد، نه تکلیفی و نه مجازاتی. «مأموریت تو همان مأموریتی است که به خودت می‌دهی. زندگی تو همان است که خودت خلق می‌کنی، هرگز کسی نمی‌تواند خط

مشی تو را تعیین کند ... لذت خودت را پیدا کن و با آن زندگی کن» (برن، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).
 خدا به معنای خدمت‌گذار و غول چراغ جادو نیز نمادی است از الوهیت درونی و نیروی
 باطنی. «ما همگی هم والد هستیم و هم مولود. هم خالقیم و هم مخلوق» (والش، ۱۳۹۱،
 ص ۴۲). «ما نه تنها خالق سرنوشت خود بلکه خالق دنیای اطراف خودمان نیز هستیم» (برن،
 ۱۳۸۷، ص ۲۰۲).

در حالی که خدایی که به ما معرفی می‌شود، همه‌کاره است و انسان‌ها در برابر او کاره‌ای
 نیستند و پیوسته و در همه حال نیاز به او دارند. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ» (فاطر: ۱۵). علامه طباطبایی در تفسیر این جمله
 می‌فرماید: و در این جمله فقر را منحصر در انسان و بی‌نیازی را منحصر در خود کرد، پس
 تمامی انحای فقر در مردم و تمامی انحای بی‌نیازی در خدای سبحان است و چون فقر و غنی
 عبارت از فقدان و وجدان است و این دو، دو صفت متقابل یکدیگرند، ممکن نیست موضوعی
 از هر دو خالی باشد. هر چیزی که تصور شود، یا فقیر است یا غنی و لازمه انحصار فقر در
 انسان و انحصار غنی در خدا انحصاری دیگر است و آن عبارت از این است که: انسان‌ها
 منحصر در فقر باشند و خدا منحصر در غنی؛ پس انسان‌ها غیر از فقر ندارند و خدا غیر از
 غنی ندارد. پس خدای سبحان غنی بالذات است؛ او می‌تواند همه انسان‌ها را از بین ببرد،
 چون از آنان بی‌نیاز است و آنان بالذات فقیرند و نمی‌توانند به چیزی غیر از خدا از خدا بی‌نیاز
 شوند و ملائک در غنای خدا از خلق و فقر خلق به خدای تعالی این است که خدا خالق و مدبر
 امور ایشان است و آوردن لفظ جلاله «اللَّهُ» اشاره به فقر خلق و غنای خدا دارد و آوردن جمله
 «اگر بخواهد شما را از بین می‌برد و خلقی جدید می‌آورد»، اشاره به خلقت و تدبیر او دارد و
 همچنین آوردن کلمه «الحمید» برای این است که او در فعل خودش که همان خلقت و تدبیر
 باشد، محمود و ستایش شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۳).

صدها عرفان‌واره‌ها و معنویت‌های نوظهور از خارج وارد ایران و کشورهای اسلامی
 شده‌اند که غالب آنها در خاستگاه خود کاری به خدا نداشته، گاهی بی‌خدایی را ترویج
 می‌کنند. آنهایی هم که باور به خدا دارند، یا در این عرصه‌ها او را مسکوت می‌گذارند و برای او

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

نقشی قائل نیستند یا نقش کلی و بی‌خاصیت به او می‌دهند. اما در ایران طرفداران قانون جذب تلاش می‌کنند آن را بومی‌سازی کنند و آنها را با فرهنگ دینی ترویج کنند و گاهی با اسم جدید و قالب جدید ارائه دهند. قانون جذب نیز چنین است؛ زیرا در اصل آن، خدا جایی ندارد؛ اما در داخل کشور آن را به خدا پیوند زده‌اند.

در شکرگزاری بیان نمی‌شود که باید از خدا شکرگزار بود و برداشت از خدا در قانون جذب و شکرگزاری بسیار ناروا و به دور از آموزه‌های قرآنی است و در این قانون برداشت‌های مختلفی از خدا تصور می‌شود، مانند:

الف) خدا قانون جذب را جعل کرده و انسان را همه‌کاره قرار داده است؛ به تعبیری خدا دست خود را بسته و همه قدرت را به انسان داده است (وین دایر، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷)؛ در حالی که قرآن یهودیانی را که چنین عقیده‌ای داشتند، به شدت محکوم می‌کند و می‌گوید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَآيْحِبُّ الْمُفْسِدِينَ: و یهود گفتند دست خدا به زنجیر بسته است، دست‌هایشان بسته باد و به سبب این سخن از رحمت [الهی] دور شوند، بلکه هر دو دست (قدرت) او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد و این آیات که بر تو از طرف پروردگارت نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید و در میان آنها عداوت و دشمنی تا روز قیامت افکنندیم و هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش کرد و برای فساد در زمین تلاش می‌کنند و خداوند مفسدان را دوست ندارد» (مانده: ۶۴).

ب) برداشت دیگری از خدا در قانون جذب این است که غیر از نیروی درونی انسان خدایی وجود ندارد. «ارتباط با درون یعنی ارتباط با پروردگار ... باید دروازه‌های قلب و روحمان را به روی هوش و خرد نهفته در درونمان بگشاییم و نیروی هستی‌بخش و شفابخش درون را به یاری بطلبیم و بدانیم در صورتی از این نیروی شگرف بهره‌مند می‌شویم که پذیرای آن بوده و قبولش کرده باشیم ... از نیروی لایزال ضمیر باطنتان استفاده کنید و از گنجینه نهفته

در ژرفای وجودتان بهره جوئید تا پاسخ مناسب و واکنش شایسته را دریافت دارید» (وین دایر، ۱۳۸۹، ص ۸۴-۸۵).

بر این اساس خدا همان نیروها و قدرت‌هایی است که درون ما نهفته است و با آن می‌توانیم کار خدایی کنیم. باید عظمت و جلال خود را درک کنید و «در برابر انسانیت و نیروهای بی‌انتهای بالقوه‌تان به عنوان یک موجود انسانی سر تعظیم فرود آورید (وین دایر، ۱۳۸۹، ص ۲۶). خدا نیرویی مستقل از ما نیست، بلکه تقدیر الهی همان تدبیرها و آرزوپردازی‌های ماست. ما این نیرو را نمی‌توانیم باور کنیم و قبول کنیم که از وجود خود ماست برای همین آن را به خدایان فرافکنی می‌کنیم (والش، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

برداشت فوق از خدا از منظر قرآن مطرود است؛ زیرا خدایی که قرآن معرفی می‌کند، خدایی مستقل است و نه تنها مساوی با درون انسان و تدبیرهای او نیست، بلکه ایجادکننده عزم و تفکرات او یا فسخ‌کننده عزم و تصمیمات اوست. از این رو می‌فرماید: «ما كَانَ لِتَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَشْرَى حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ: هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی [از دشمن] بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد [و جای پای خود را در زمین محکم کند] شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید [و مایلید اسیران بیشتری بگیرید و در برابر گرفتن مالی آزاد کنید] ولی خداوند سرای دیگر را [برای شما] می‌خواهد و خداوند قادر و حکیم است» (انفال: ۶۸). این آیه با صراحت بیان می‌دارد ممکن است شما مجاهدان مؤمن چیزی بخواهید، اما خدا به این خواسته شما اهمیتی نمی‌دهد و چیز دیگری برای شما رقم می‌زند.

۷. مادی‌گرایی

این قانون نه انسان را به فضایل اخلاقی رهنمون می‌شود نه در این زمینه برنامه‌ای دارد؛ بلکه خطرناک‌ترین امیال شهوانی انسانی یعنی «آز و طمع» را فعال نموده، معنویتی برای انسان به بار نمی‌آورد و بیشتر روی ثروت‌اندوزی و رفاه مادی می‌اندیشد. چنین امری عقل انسان را تباه کرده، ارزش او را در حد حیوان پایین می‌کشاند. امام علی می‌فرماید: «بیشترین

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

زمین خوردن‌های عقل مربوط به جاهایی است که برق طمع جستن می‌کند» (نهج البلاغه، ص ۵۰۷). در حالی که از منظر قرآن دنیا و لذات آن متاع و ارزش ناچیزی در برابر آخرت است و انسان نباید به آن گرفتار گردد؛ از این رو می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ: محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند، ولی] اینها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند] سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان] نزد خداست» (آل عمران: ۱۴).

۸. شکرگزاری در قانون جذب در لفظ و تمرکز ذهن منحصر شده است و درباره اینکه چگونه شکرگزاری نمایم، خبری نیست؛ به عبارت دیگر اصل شکرگزاری در نظام دینی و آموزه‌های وحیانی اسلام به کاربردن نعمت خدا در راستای خواست خداست؛ اما این قانون هیچ اشاره‌ای بدان نمی‌کند و تنها تمرکز بر خواسته و طلب را طرح می‌کند. در حالی که چنین امری مقدمه کار است و اصل نردبان ترقی عمل خالصان برای خداست؛ از این رو خداوند می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِيمٌ: هرگز به [حقیقت] نیکو کاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید [در راه خدا] انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن باخیر است» (آل عمران: ۹۲). این آیه به ما می‌فهماند اقدام عملی است که انسان را به نیکی می‌رساند.

۹. چنان‌که در تبیین آموزه‌های قرآنی شکرگزاری گذشت، ناسپاسی یعنی توجه نکردن به دستوره‌های خداوند سبب ندمت و هلاکت است ولو انسان شادمان باشد و از دیگران هم راضی باشد؛ در حالی که قانون جذب به این بُعد نمی‌پردازد و تنها می‌گوید عدم رضایت را به ذهن راه نده و مثبت بیندیش.

۱۰. این قانون با عنایت به شکرگزاری آن تنها به بعد جذب خوبی‌ها توجه دارد و در عرصه مقابله با بدی‌های عالم و ستمگران و نحوه مقابله با این عرصه هیچ برنامه‌ای ندارد، بلکه

توصیه آن این است که به خوبی های ظالمان توجه کن و بدی های آنان را منکر.

۱۱. رهاکردن عمل نیک

بر اساس اصل یازدهم ذکرشده در قانون جذب، شکرگزاری زبانی جای همه چیز را گرفته است و بر اساس اصل ششم تنها کار لازم مثبت اندیشی و تمرکز و بیان خواسته است تا به مطلوب خود برسی؛ در حالی که قرآن می فرماید: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). سعی به معنای تلاش و کوشش است؛ چراکه به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می دهد، خواه کار خیر باشد یا شر. نفس شکرگزاری زبانی بدون ایمان و عمل صالح و به کار بردن نعمت خدادادی در مسیر خداخواسته و انجام واجبات و ترک محرمات، راه به جایی نمی برد.

۱۲. تنها شرط دعا طلب و اراده و تمرکز

طرفداران قانون جذب و شکرگزاری دعای زبانی را آن هم خطاب به کائنات برای وصول به هدف مادی خود کافی می دانند و می گویند: «آن گاه که تو دست دعا برمی داری و زیباترین، عمیق ترین، متعالی ترین و مثبت ترین جملات تأکیدی بر زبان تو جاری می شود، آن چنان شور و تحولی در وجودت می آفریند که محراب قلبت از ایمان سرشار و جام وجودت از می ناب توکل لبریز می شود و این چنین است که به مدد این نیروی نامرئی، ناگاه همه چیز تغییر می کند، راه های جدید فراروی تو گشوده می شود، بهترین راه حل ها به ذهنت می آید...» (آزمندیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۵۲). جملات تأکیدی مثبت و تلقین به خود راه نفوذ در کائنات و کلید گشایش قدرت درون است (رابینز، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵). در حالی که قرآن می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند [بگو] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خولند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند]» (بقره: ۱۸۶). بر اساس این آیه شرط استجاب

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

دعا چند مسئله اساسی است: ۱. انسان‌ها تنها از خدا درخواست داشته باشند؛ ۲. تنها خدا را بخوانند و کسی دیگر را با خدا شریک قرار ندهند؛ ۳. اجابت دعای خود را تنها از خدا بخواهند نه کسی دیگر؛ ۴. ایمان به خدا داشته باشند؛ ۵. همه این شروط را هم که داشتند، امید به اجابت داشته باشند و خیال نکنند حتماً به اجابت می‌رسد؛ زیرا ممکن است در اعمال یا نیاتشان چیزی باشد که مانع استجاب دعاست یا ممکن است اجابت خواسته آنان برایشان مصلحت نداشته باشد.

۱۳. شکرگزاری در برابر نعمت‌های مادی

در قانون جذب سخن از شکرگزاری از نعمت‌های معنوی خدادادی شرط نیست و بیشتر همان نعمت‌های مادی مانند سلامتی جسمی و روانی و نیز ثروت‌اندوزی و امور دنیوی مطرح می‌شود، باینکه در قرآن دامنه شکرگزاری بسی وسیع‌تر است. در این زمینه استاد جوادی آملی بیان می‌دارند:

قرآن کریم شکرگزاری را مختص نعمت‌های مادی نمی‌داند، بلکه هم نعمت‌های ظاهری مانند اعضا جوارح و حواس بدنی را جهت شکرگزاری برمی‌شمرد. او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب (عقل) ایجاد کرد، اما کمتر شکر او را به جا می‌آورید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸) و نیز از کواکب و هوا و آب و جمادات و نباتات و حیوان و میوه‌ها و غیر آن سخن به میان می‌آورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ: ای افراد باایمان از نعمت‌های پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را به جا آورید اگر او را می‌پرستید» (بقره: ۱۷۲). هم از نعمت‌های باطنی و معنوی مانند عقل و روح و قوا و حواس باطنی که تحت عنوان «أَفْنَدَه» در آیه «گوش و چشم و عقل در اختیار شما گذارد، شاید شکر او را به جا می‌آورید: وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸) گنجانده می‌شود و نظیر هدایت، توفیق الهی، بعثت انبیا و انزال کتب و معرفت و حکمت و افاضات روحانی که قرآن این‌گونه متذکر می‌شود: ما به لقمان حکمت دادیم و به او گفتیم که برای خدا شکرگزاری کن، چراکه هر کس شکر نعمت او را ادا کند، به سود خویش شکر کرده و هر کس کفران کند، زیانی به خدا نمی‌رساند، چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است: «وَلَقَدْ آتَيْنَا

لَقَمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»
(لقمان: ۱۲/ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۱۹).

خلاصه و جمع‌بندی

الف) شکرگزاری در قرآن با شکرگزاری در قانون جذب نقاط مشترکی دارند و در هر دو انسان‌ها در برابر نعمت‌ها باید شکرگزار باشند؛ شکرگزاری سبب شادمانی و زندگی بهتر می‌شود؛ شکرگزاری سبب فزونی نعمت است؛ سوءظن و بدبینی و نادیده‌انگاشتن نعمت‌ها به زیان خود انسان است.

ب) شکرگزاری در قانون جذب از منظر قرآن چند ایراد دارد، از جمله:

۱. دو مبنای اصلی مبانی شکرگزاری یعنی دارا بودن ارتعاش ذهنی و ارسال آنها به کائنات است و نیز پاسخ کائنات به این ارتعاش از منظر قرآن و علم و تجربه امری ثابت شده نیست.
۲. شکرگزاری در قرآن باید برای خدا باشد نه کائنات.
۳. در قرآن آنچه سبب فزونی نعمت با شکرگزاری می‌شود، توجه نعمت‌دهنده یعنی خداست نه کائنات منهای خدا یا خود شخص شکرگزار.
۴. بر خلاف شکرگزاری در قانون جذب، انسان‌ها نمی‌توانند بدون خدا برای خود کاری کنند، بلکه همه در همه حال و در همه کارها نیازمند خداوندند.
۵. شکرگزاری علت ناقصه تحقق خواسته است نه علت تامه.
۶. ما نمی‌توانیم به برخی خواسته‌های خود برسیم؛ چون اولاً گاهی با خواسته دیگران تزاخم دارد، ثانیاً امکانات دنیوی محدود است، ثالثاً وصول به بسیاری از خواسته‌ها برای ما مصلحت نیست.
۷. نعمت‌ها منحصر در نعمت‌های مادی یا دنیوی نیست، پس باید برای همه نعمت‌ها شکرگزار بود.
۸. شکرگزاری تنها به زبان و قلب نیست، بلکه حقیقت شکرگزاری به‌کاربردن نعمت‌ها در اموری است که خدا دستور داده است.
۹. برای تحقق خواسته‌های خود باید کار و تلاش کنیم و به مجرد تجسم و طلب، مطلوب

تفصیل

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

حاصل نمی‌شود.

۱۰. ناسپاسی تنها سبب عدم فزونی نعمت نیست، بلکه سبب زوال آن هم می‌شود.

۱۱. طریق کاهش رنج از منظر قرآن ایمان و عمل صالح و تقوا و اصلاح نگاه به عالم است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش

سال سیام
شماره یکصد و هفتم / پاییز ۱۴۰۴

۱۳۶

منابع

- آزمندیان، علیرضا (۱۳۸۶). تکنولوژی فکر، تهران، نشر تکنولوژی فکر.
- اورین، اسوت مادن (۱۳۷۹). پیروزی فکر. ترجمه رضا سیدحسینی، تهران، نشر بامداد.
- برن، راندا (۱۳۸۷). راز. ترجمه نفیسه معتکف، تهران، نشر فراروان.
- برن، راندا (۱۳۹۰). قدرت. ترجمه معتکف، نفیسه، تهران، نشر لیوسا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۳۸۳). تفسیر نورالثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- رایبیز، آنتونی (۱۳۸۷). قدرت شگرف درون. تهران: نگارستان کتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- سعدی شیرازی (۱۳۶۹). گلستان. تهران: قدیانی.
- سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده) (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. صبحی صالح، چ ۱، قم: هجرت.
- شرفی دوست، حمزه (۱۳۹۱). قانون جذب. مجله مطالعات معنوی، (۳)، بهار.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عظیمی، حشمت الله (۱۳۸۹الف). قرآن در عصر ساینس جدید؛ نگاه تطبیقی به اعجاز علمی قرآن کریم در پرتو علوم جدید. ۲۷ فروردین. <https://hashmatazimi.loxblog.com>
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق). سفینه البحار. چ ۱، قم، انتشارات شمس الهدی.
- کلاود، هنری (۱۳۹۵). قانون شادی؛ چگونه خرد معنوی و علم جدید می تولد زندگی ما را عوض کند. ترجمه شهره عبداللهی، تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). کافی. قم: دار الحدیث.
- لوسیر، مایکل (۱۳۸۹). قانون جذب. ترجمه الهام آرام نیا و شمس الدین حسینی، تهران: نشر هیرمند.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۰). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- والش، نیل دونالد (۱۳۹۱). ابداع زندگی میراث باربارا مارکس هابرد و آینده تو. نشر پندار

سنجش قانون جذب با تأکید بر تأثیر شکرگزاری با آموزه‌های قرآنی

تابان، ۱۳۹۲.

وین دایر، دابلیو (۱۳۹۱). از راز قانون جذب بیشتر بدانیم. ترجمه مهرداد انتظاری، چ ۱، تهران: انتشارات فرایندگان.

وین دایر، فوایدنگار (۱۳۸۹). از راز قانون جذب بیشتر بدانیم. تهران، فروشگاه اینترنتی دیدآور.

هیکس، ایستر و هیکس، جری (۱۳۹۶). مدار قانون جذب. ترجمه مینا اعظامی، چ ۲، تهران: انتشارات صورتگر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش

شماره یکصد و هفتم / پاییز ۱۴۰۴

۱۳۹